

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### عهد معهود

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

با اهتمام: زهرا مرادی

در دوره‌ی «عهد معهود» با حقایقی از آفرینش آدم علیه السلام و فلسفه‌ی آفرینش آدمی به روایت هدایتگران آسمانی آشنا خواهید شد. همچنین در این دوره، از عهدی که آدم علیه السلام با خداوند متعال می‌بندد سخن خواهیم گفت؛ عهدی که قرار می‌شود تمامی بنی آدم - از جمله من و شما - تا قیام قیامت به آن پایبند بمانند!

### درس ششم: سرگذشت عهد معهود در دوره‌ی نوح علیه السلام

در جلسه‌ی گذشته به این موضوع پرداخته شد که: شیطان که به عزت و جلال خداوند سوگند یاد کرده بود تا آدمیان را به گمراهی کشد، سراغ فرزندان آدم علیه السلام رفت و با وسوسه‌ی آنها کاری کرد که نه تنها عهدی را که درباره‌ی اهل بیت با خدا بسته بودند فراموش کردند، بلکه حتی از عبودیت خالق خویش دست برداشتند و به بت پرستی روی آوردند.

و اینک ادامه‌ی ماجرا:

همانطور که در جلسه‌ی پیش هم اشاره شد، پس از آدم علیه السلام، خداوند مهربان، نعمت وجود هدایتگر را از بنی آدم دریغ نرمود و افراد شایسته‌ای را به جانشینی آدم تعیین نمود تا مردم بتوانند با مراجعه بدیشان با دین خدا و آنچه برای سعادت خویش نیازمندند آشنا شوند.<sup>۱</sup> اما به تحریک شیطان و انتخاب نادرست مردم، این نعمت‌های الهی مهجور واقع شدند و حتی به قتل تهدید گردیدند. بنی آدم به دست خود هدایت را پس زدند و هدایتگران را به تقیّه واداشتند. آهمین امر سبب شد تا رفته رفته آدمیان یکپارچه به گمراهی کشیده شوند.<sup>۲</sup> خداوند در این باره می‌فرماید:

<sup>۱</sup> بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام، هنگامی که خداوند هابیل را به جانشینی آدم علیه السلام انتخاب کرد، چنین فرمود: "سَبَقَ عِلْمِي أَنْ لَا أَتْرُكَ الْأَرْضَ مِنْ عَالِمٍ يَعْرِفُ بِهِ دِينِي وَ أَنْ أُخْرِجَ ذَلِكَ مِنْ دُرِّيْتِكَ فَأَنْظُرُ إِلَى اسْمِي الْأَعْظَمِ وَ إِلَى مِيرَاثِ النُّبُوَّةِ وَ مَا عَلَّمْتُكَ مِنَ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا وَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْخَلْقُ مِنَ الْأَنْزَةِ عَيْي" یعنی: در علم من گذشته است (تقدیر من این است) که زمین را بدون عالمی که دین من به واسطه‌ی او شناخته شود خالی نمی‌گذارم و او را از خاندان تو قرار دهم. پس اسم اعظم من و میراث نبوت و هر آنچه از کلّ اسماء به تو تعلیم نمودم و آنچه خلق از علوم من به آن احتیاج دارند را به هابیل بسپار. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۲۷.

<sup>۲</sup> امام باقر علیه السلام می‌فرماید پس از آنکه آدم علیه السلام به فرمان خدا شیث (هبة الله) را به عنوان وصی و جانشین خود انتخاب کرد، قایل به سراغ او آمد و وی را نیز تهدید به قتل نمود و گفت: "إِنَّكَ إِنْ أَظْهَرْتَ مِنَ الْعِلْمِ الَّذِي اخْتَصَّكَ بِهِ أَبُوكَ شَيْئاً قَتَلْتُكَ كَمَا قَتَلْتُ أَخَاكَ هَابِيلَ" یعنی: قطعاً اگر از علمی که به تو داده (علم نبوت و جایگاه وصایت) چیزی اظهار کنی تو را هم مانند برادرت هابیل می‌کشم: بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۶۵. ؛ امیر مومنان نیز می‌فرماید: "... فَعَلَبَ قَابِيلَ الْمِبْطَلِ هَابِيلَ الْمَحْقِقِ، وَ بَقِيَتْ أُمَّةٌ شَيْثٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مِنْ بَعْدِهِ فَيُتَّقِيهِ وَ فِي مَقَامِ مَغْلُوبِينَ بِالظَّالِمِينَ، إِلَى أَنْ جَاءَتْ نُبُوَّةُ نُوْحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ..."

"كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ..."<sup>٤</sup>

مردم، امتی واحد بودند؛ پس خداوند، پیامبران را بشارت دهنده و بیم دهنده برانگیخت.

امام صادق علیه السلام - به عنوان ششمین مبین و مفسر حقیقی قرآن پس از رسول خاتم - در تبیین آیهی فوق فرمودند این کلام درباره‌ی دوران پیش از نوح علیه السلام بیان شده است. سپس در پاسخ به این سوال که «آیا معنای امت واحد در کلام خدا این است که همه‌ی مردم یکپارچه در مسیر هدایت قرار داشتند؟» فرمودند:

"[نه] بلکه [یکپارچه] گمراه بودند.<sup>٥</sup> و این بدان دلیل بود که پس از آدم و ذریه‌ی صالح او، شیث وصی آدم باقی ماند که نمی‌توانست دین خدا را ... اظهار کند؛ چراکه قابیل همواره او را به قتل تهدید می‌کرد که مانند برادرش هابیل او را نیز می‌کشد. به همین دلیل [شیث] در میان مردم با تقیه و کتمان رفتار می‌کرد. در نتیجه مردم روز به روز گمراه‌تر می‌شدند تا آنکه مؤمنی بر روی زمین باقی نماند جز همانها که از گذشته وجود داشتند."<sup>٦</sup>

آری؛ شیث و جانشینان او به امر الهی در تقیه بودند و نمی‌توانستند دین خدا را آشکارا تبلیغ کنند. مردم، راه را از بیراهه گم کردند و همگی از پرستش خدای یگانه دست کشیدند. خداوند مهربان، از باب رحمت و فضل

---

یعنی: قابیل مبطل بر هابیل محق غلبه یافت، و امت شیث علیه السلام و آنان که بعد از او بودند تا زمان پیامبری نوح علیه السلام همیشه در تقیه و مغلوب ستمکاران بوده‌اند: کشف المحجّة لثمره المهجّة، فصل ٩٧، ص ١٣٠.

<sup>٣</sup> در پاورقی شماره ٦ در این مورد به تفصیل توضیح داده شده است.

<sup>٤</sup> قرآن کریم، سوره بقره، آیه ٢١٣.

<sup>٥</sup> همانطور که در متن درس اشاره شد اهل بیت علیهم السلام مقصود خداوند از «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» را گمراهی یکپارچه در میان بنی آدم بیان فرموده‌اند. اما متأسفانه از آنجا که معمولاً برای تبیین کلام خدا سراغ مبین حقیقی قرآن یعنی کسی که علم قرآن به تمامی در سینه اش جای داده شده نرفته و نمی‌رویم، بسیاری از مردم این آیه را اشتباه برداشت کرده‌اند و مراد خداوند از امت واحد را «یکپارچگی ایشان در پرستش خدای یگانه» گرفته‌اند. به نمونه‌هایی از ترجمه‌های نادرست این آیه توجه بفرمایید:

- "نوع بشر بعد از آدم تا زمانی تماماً يك امت و يك ملت بوده و متفقاً در دین اسلام موحد بودند": ترجمه‌ی قرآن نویری (عبدالمجید صادق نویری)، ج ١، ص ٣١.

- "مردم [در آغاز] امتی واحد بودند (به تدریج شرك و نفع طلبی موجب تضاد شد)": ترجمه‌ی قرآن طاهری (علی اکبر طاهری قزوینی)، ص ٣٣.

- "همه مردمان يك امت بودند به ابتدا، همه بر استقامت و اهتدا و بعد آن برگشتند": تفسیر نسفی (ابوحفص نجم الدین محمد)، ج ١، ص ٦٧.

<sup>٦</sup> "فی قول الله: كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ. فقال: «كان ذلك قبل نوح». فقيل: فعلى هدى كانوا؟ قال: «بل كانوا ضلّالا، و ذلك أنه لما انقضت آدم (عليه السلام) و صالح ذريته، بقى شيث وصيه لا يقدر على إظهار دين الله ... و ذلك أن قابيل نوعه بالقتل، كما قتل أخاه هابيل، فسار فيهم بالتقية و الكتمان، فازدادوا كل يوم ضلالة حتى لم يبق على الأرض معهم إلا من هو سلف": تفسیر برهان، ج ١، ص ٤٥١.

<sup>٧</sup> امام صادق علیه السلام می‌فرماید تقیه کردن شیث به امر پروردگار بود: "فَلَمَّا انْقَضَتْ نُبُوَّةُ آدَمَ وَ فَبِي أَجَلُهُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ قَدْ انْقَضَتْ نُبُوَّتُكَ وَ قَبِيَّتْ أَيَامُكَ فَانظُرْ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ وَ مَا عَلَّمْتُكَ مِنَ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا وَ أُثْرَةَ النُّبُوَّةِ وَ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ فَادْفَعَهُ إِلَى شَيْثٍ وَ أَمْرُهُ أَنْ يَقْبَلَهُ بِكُتْمَانٍ وَ تَقِيَةٍ مِنْ أَخِيهِ لِئَلَّا يَفْتُلَّهُ كَمَا قَتَلَ هَابِيلَ" یعنی: پس هنگامی که دوران نبوت آدم (ع) به سر آمد و مرگش فرا رسید، **خداوند وحی فرمود** پیامبری تو به پایان رسید و روزگارتان به سر رسید. پس اسم اعظم الله و هر آنچه از کل اسماء به تو تعلیم دادم و نشانه‌ی نبوت و آنچه مردم به آن احتیاج دارند را به شیث بسپار و **به او امر کن** آن را به کتمان و تقیه از برادرش بپذیرد وگرنه آنگونه که هابیل را کشت، او را نیز می‌کشد: بحارالانوار، ج ١١، ص

خود، نوح علیه السلام را مامور هدایت ایشان ساخت. اما مردمی که نسل‌ها از صراط مستقیم الهی فاصله گرفته بودند، دعوت نوح به پرستش خدای یگانه و کنار گذاشتن بت‌ها<sup>۱۱</sup> را با حمله به او و مجروح ساختنش اجابت می‌کردند. نوح، ساعتها بلکه روزها زخمی و بیهوش بر روی زمین می‌افتاد و کسی نبود که یاری‌اش نماید.<sup>۱۱</sup> مردم به در خانه‌ی نوح می‌رفتند و پیامبر خدا را به فرزندان‌شان نشان می‌دادند و می‌گفتند هوشیار باشید که فریب این دیوانه را نخورید!<sup>۱۲</sup>

۹۵۰ سال، نوح علیه السلام این رفتارهای ناشایست را تحمل کرد و مردم را به عبودیت خالق متعال فراخواند<sup>۱۳</sup> اما هرچه ایشان را بیشتر دعوت می‌کرد، بیشتر کفر می‌ورزیدند. پس از گذشت آن همه سال، تنها ۸۰ نفر دعوتش را اجابت کردند.<sup>۱۴</sup>

نوح علیه السلام برای چندمین بار با مردم اتمام حجت نمود<sup>۱۵</sup> که اگر دست از شرک و بت پرستی دست برندارند، عذاب الهی گریبان‌شان را خواهد گرفت اما نه تنها اعتنایی نمودند؛ بلکه به وی گفتند اگر راست می‌گویی عذاب خدایت را نشان‌مان بده.<sup>۱۶</sup>

حجت که بر ایشان تمام شد، خداوند اراده فرمود تا زمین را از وجود کافران پاک سازد. به فرمان پروردگار و با راهنمایی جبرائیل، نوح علیه السلام مشغول ساختن یک کشتی بزرگ شد. مردمی که نوح<sup>۱۷</sup> را در حال ساخت

---

۲۲۸. همچنین در روایت دیگری فرموده اند حضرت آدم در وصیت خود تاکید داشت که کسی از جایگاه وصایت شیث باخبر نگردد: "إِيَّاكَ أَنْ يَطَّلِعَ عَلَيْهَا أَحَدٌ": بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۲۸.

<sup>۸</sup> بنگرید به روایت امیر مومنان در پاورقی شماره ۲.

<sup>۹</sup> بنگرید به پاورقی شماره ۶.

<sup>۱۰</sup> امام باقر علیه السلام می‌فرماید: "كَانَتْ شَرِيْعَةُ نُوحٍ عَ أَنْ يَعْبَدَ اللَّهَ بِالْتَّوْحِيدِ وَ الْإِخْلَاصِ وَ خَلْعِ الْأَنْدَادِ" یعنی: شریعت نوح، پرستش خدا به یگانگی و اخلاص و کنار نهادن بت‌ها بود: بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۱.

<sup>۱۱</sup> "لَمَّا أَظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُبُوءَ نُوحٍ ع ... الْوُثُوبِ عَلَى نُوحٍ بِالضَّرْبِ الْمُبْرَحِ حَتَّى مَكَثَ عَ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ مَغْشِيًا عَلَيْهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ يَجْرِي الدَّمُ مِنْ أذُنِهِ ثُمَّ أَفَاقَ" یعنی: چون خدای تبارک و تعالی نبوت نوح (ع) را آشکار کرد ... [مخالفان] به نوح هجوم آوردند و او را به سختی زدند تا آنجا که پاره‌ای اوقات سه روز بیهوش می‌افتاد و خون از گوشش میریخت تا به هوش آید: بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۶.

<sup>۱۲</sup> "كَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يَأْتِي بِأَبْنَيْهِ وَ هُوَ صَغِيرٌ فَيَقْفُهُ عَلَى رَأْسِ نُوحٍ صَ فَيَقُولُ يَا بَنِي إِنْ بَقِيَتْ بَعْدِي فَلَا تُطِيعَنَّ هَذَا الْمَجْنُونِ" یعنی: بعضی از مردان آنها فرزندان کوچک شان را بالا سر نوح می‌آوردند و می‌گفتند: پسر من اگر تو بعد از من زنده بودی از این دیوانه پیروی مکن: بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۸۷.

<sup>۱۳</sup> "وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ" یعنی: و به راستی، نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد، تا طوفان آنها را در حالی که ستمکار بودند فراگرفت: قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه ۱۴.

<sup>۱۴</sup> امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "كَانَ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ مِنْ جَمِيعِ الدُّنْيَا ثَمَانِينَ رَجُلًا" یعنی: از همه‌ی دنیا [فقط] ۸۰ نفر به او ایمان آوردند: بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۱۲.

<sup>۱۵</sup> پس از گذشت چند قرن از بعثت نوح علیه السلام، هنگامی که دیگر از ایمان آوردن قومش ناامید شده بود تصمیم گرفت آنها را نفرین کند؛ اما خداوند به او وحی فرستاد که اینان مخلوقات و بندگان من هستند و من تا بر آنها حجت تمام نشود نابودشان نمی‌کنم؛ پس به تلاش برای دعوت ایشان ادامه بده: "لَمَّا اسْتَنْزَلَ نُوحٌ عَ الْعُقُوبَةَ عَلَى قَوْمِهِ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ عَ بِسَبْعَةِ نَوَايِطٍ فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ لَكَ إِنَّ هَؤُلَاءِ خَلَائِفِي وَ عِبَادِي وَ لَسْتُ أُبِيدُهُمْ بِصَاعِقَةٍ مِنْ صَوَاعِقِي إِلَّا بَعْدَ تَأْكِيدِ الدَّعْوَةِ وَ الْإِزَامِ الْحُجَّةِ فَعَاوِدِ اجْتِهَادَكَ فِي الدَّعْوَةِ لِقَوْمِكَ ...": بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۲۹.

<sup>۱۶</sup> "فَأْتَيْنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ" یعنی: پس آنچه را به ما [از عذاب الهی] وعده دادی برایمان بیاور اگر از راستگویانی: قرآن کریم، سوره هود، آیه ۲۲.

<sup>۱۷</sup> "وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحْيَنَا" یعنی: و کشتی را زیر نظر ما و به وحی ما بساز: قرآن کریم، سوره هود، آیه ۳۷.

کشتی در منطقه‌ای دور از دریا می‌دیدند او را به سبب کار بیهوده‌اش مسخره می‌کردند اما او در انجام<sup>۱۸</sup> امر الهی تردیدی به دل راه نمی‌داد.

ساخت کشتی که به پایان رسید، جبرائیل پنج میخ ویژه آورد تا نوح آنها را بر روی کشتی نصب کند و به سبب وجود آنها کشتی بتواند مسافران را به سلامت حمل کند. میخ اول، به نام محمد صلی الله علیه و آله و سلم - برترین و نخستین مخلوق خداوند - بود که به امر خداوند در قسمت راست و نزدیک به جلوی کشتی جای گرفت. میخ دوم به نام علی - وصی محمد - مزین بود و به راهنمایی جبرائیل در سمت چپ و نزدیک به جلوی کشتی قرار داده شد. میخ سوم، به نام فاطمه - پاره‌ی تن محمد مصطفی - بود و در کنار میخ پدر جای گرفت. میخ چهارم، به نام حسن - فرزند علی و فاطمه - بود و کنار میخ پدرش علی بن ابیطالب در سمت چپ کشتی نصب گردید؛ و میخ پنجم هم به نام حسین بن علی بود که آن هم در کنار میخ برادر قرار گرفت. بدین ترتیب، کشتی به

<sup>۱۸</sup> "وَصْنَعُ الْفُلْكِ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ" یعنی: و [نوح] کشتی را می‌ساخت و هر گاه گروهی از قومش بر او می‌گذشتند مسخره‌اش می‌کردند: قرآن کریم، سوره هود، آیه ۲۸. امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: "... فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ وَ أَمْرَهُ بَعْرَسِ النَّوَى فَمَرَّ عَلَيْهِ قَوْمٌ فَجَعَلُوا يَضْحَكُونَ وَ يَسْخَرُونَ وَ يَقُولُونَ قَدْ قَعَدَ عَرَّاسًا حَتَّى إِذَا طَالَ وَ صَارَ طَوَالًا قَطَعَهُ وَ نَجَرَهُ فَقَالُوا قَدْ قَعَدَ نَجَارًا ثُمَّ آفَقَهُ فَجَعَلَهُ سَفِينَةً فَمَرُّوا عَلَيْهِ فَجَعَلُوا يَضْحَكُونَ وَ يَسْخَرُونَ وَ يَقُولُونَ قَدْ قَعَدَ مَلَّاحًا فِي أَرْضِ قَلَاةٍ" یعنی: پس خداوند تعالی به او (نوح) وحی کرد تا کشتی بسازد و او را امر نمود تا هسته بکارد. پس گروهی از کنارش گذشتند و شروع کردند به خندیدن و مسخره کردن و گفتند حالا دیگر نشسته و درخت می‌کارد؛ آنگاه که [نخلها] تنومند شد آن را برید و تراشید. به او گفتند حالا نشسته و نجاری می‌کند. آن‌ها را به هم پیوست و کشتی ساخت و قوم باز از کنارش گذر کردند و به او خندیدند و مسخره‌اش نمودند. می‌گفتند در این زمین خشک، کشتی‌بان شده: بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۲۳.

<sup>۱۹</sup> رسول خاتم فرمودند: "[آنجا که خداوند می‌فرماید] «وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَ دُسُرٍ» (او را بر کشتی دارای تخته‌ها و میخ‌ها حمل کردیم: سوره قمر، آیه ۱۲). مقصود از الواح، چوب‌های کشتی و مقصود از میخ‌های آن، ما بودیم و اگر ما نبودیم کشتی مسافران را حرکت نمی‌داد؛ بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۲۳. برای توضیحات بیشتر بنگرید به پاورقی شماره ۲۰.

<sup>۲۰</sup> رسول خاتم می‌فرماید: "لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَهْلِكَ قَوْمَ نُوحٍ عَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ شَقَّ الْأَوَاحَ السَّاجَ فَلَمَّا شَقَّهَا لَمْ يَدْرِ مَا يَصْنَعُ بِهَا فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ فَأَرَاهُ هَيْبَةَ السَّفِينَةِ وَ مَعَهُ تَابُوتٌ فِيهِ مِائَةٌ أَلْفٍ مِسْمَارٍ وَ تِسْعَةٌ وَ عِشْرُونَ أَلْفًا مِسْمَارٍ فَسَمَّرَ بِالْمِسْمَارِ كُلِّهَا السَّفِينَةَ إِلَى أَنْ بَقِيَ حَمْسَةُ مَسَامِيرَ فَصَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى مِسْمَارٍ مِنْهَا فَأَشْرَقَ فِي يَدِهِ وَ أَضَاءَ كَمَا بِيضُءُ الْكَوْكَبِ الدَّرِّيِّ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ فَتَحَيَّرَ مِنْ ذَلِكَ نُوحٌ فَأَنْطَقَ اللَّهُ ذَلِكَ الْمِسْمَارَ بِلِسَانٍ طَلَّقَ ذَلِكَ [فَقَالَ عَلَى اسْمِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فَهَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ: نوادر المعجزات، ص ۱۶۴]. فَقَالَ لَهُ يَا جَبْرَائِيلُ مَا هَذَا الْمِسْمَارُ الَّذِي مَا رَأَيْتُ مِثْلَهُ قَالَ هَذَا بِاسْمِ خَيْرِ الْأَوْلِيَّيْنَ وَ الْأَخْرَبِينَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَسْمِرُهُ فِي أَوَّلِهَا عَلَى جَانِبِ السَّفِينَةِ الْيَمِينِ ثُمَّ صَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى مِسْمَارٍ ثَانٍ فَأَشْرَقَ وَ أَنْارَ فَقَالَ نُوحٌ وَ مَا هَذَا الْمِسْمَارُ فَقَالَ مِسْمَارُ أَحِبِّهِ وَ ابْنِ عَمِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَأَسْمِرُهُ عَلَى جَانِبِ السَّفِينَةِ الْيَسَارِ فِي أَوَّلِهَا ثُمَّ صَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى مِسْمَارٍ ثَالِثٍ فَزَهَرَ وَ أَشْرَقَ وَ أَنْارَ فَقَالَ هَذَا مِسْمَارُ فَاطِمَةَ فَأَسْمِرُهُ إِلَى جَانِبِ مِسْمَارِ أَبِيهَا ثُمَّ صَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى مِسْمَارٍ رَابِعٍ فَزَهَرَ وَ أَنْارَ فَقَالَ مِسْمَارُ الْحَسَنِ فَأَسْمِرُهُ إِلَى جَانِبِ مِسْمَارِ أَبِيهِ ثُمَّ صَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى مِسْمَارٍ خَامِسٍ فَأَشْرَقَ وَ أَنْارَ وَ بَكَى فَقَالَ يَا جَبْرَائِيلُ مَا هَذِهِ التَّدَاوَةُ فَقَالَ هَذَا مِسْمَارُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ فَأَسْمِرُهُ إِلَى جَانِبِ مِسْمَارِ أَحِبِّهِ ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ص وَ حَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَ دُسُرٍ (قرآن کریم، سوره قمر، آیه ۱۲). قَالَ النَّبِيُّ ص الْأَلْوَاحُ خَشَبُ السَّفِينَةِ وَ نَحْنُ الدُّسُرُ لَوْلَا مَا سَارَتِ السَّفِينَةُ بِأَهْلِهَا" یعنی: هنگامی که خداوند عز و جل اراده فرمود تا قوم نوح علیه السلام را نابود کند، به او (نوح علیه السلام) وحی کرد تخته‌های چوب درخت ساج را دو نیم سازد. چون این کار را انجام داد، نمی‌دانست با آن‌ها چه باید بکند. جبرئیل نازل شد و شکل کشتی را به او نمایش داد. او جعبه‌ای هم با خود آورده بود که يك صد و بیست و نه هزار میخ در آن بود. حضرت نوح میخ‌ها را به تخته‌ها کوبید تا پنج میخ باقی ماند. به یکی از آن‌ها دست زد. در دستش درخشید و نوری [از آن] ساطع شد؛ چنان که ستاره‌ای پر نور در افق آسمان نور افشانی کند. نوح تعجب کرد. خداوند آن میخ را به سخن واداشت و به زبان فصیح و گویا گفت: نام برترین پیامبران، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم بر من است. جبرئیل فرود آمد. نوح از او پرسید: این چه میخی است که تاکنون مانند آن را ندیده‌ام؟ گفت: این میخ به نام سرور پیامبران، محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم است. آن را بر سمت راست جلوی کشتی بگذار. بعد دستش را به میخ دوم

برکت نام پنج تن، از خطرات مصون گردید؛ همان پنج وجود شریفی که خداوند به آدم علیه السلام فرمود از همه‌ی مخلوقاتش برترند و خلقت آدم و آسمان و زمین و سایر آفریده‌ها به طفیلی وجود ایشان است.<sup>۲۱</sup>

مهلت فرزندان آدم به پایان رسید و به فرمان الهی طوفانی عظیم بر پا شد. از زمین و آسمان، آب فراوانی خشکی‌ها را در بر گرفت<sup>۲۲</sup> تا آنجا که کوهها هم به زیر آب رفتند<sup>۲۳</sup> از هیبت آن طوفان عظیم، نوح علیه السلام هراسان شد و خدا را به حق عزیزترین مخلوقاتش یعنی محمد و آل محمد خواند تا از خطر غرق شدن در امان بمانند.<sup>۲۴</sup> خدا نیز دعایش را پذیرفت و نوح و ایمان آوردگان به او را از آن سیل مهیب نجات داد.

پس از طوفان، رنگین کمانی در آسمان پدیدار شد. خداوند رحمان، آن **رنگین کمان** را **نشان عهد** با بنی آدم قرار داد.<sup>۲۵</sup> عهدی که به زمینیان بشارت امنیت می‌داد؛ امنیت از غرق شدن. کافی بود تا آدمیان بر عهد خویش بمانند تا خدا نیز بر عهد خود وفا کند.

۳۷

زد؛ آن هم درخشید و پرتو افشاند. نوح به جبرئیل گفت: این چه میخی است؟ جبرئیل گفت: این میخ برادر و پسر عمویست، سرور اوصیاء علی بن ابی طالب است؛ پس آن را در جلوی کشتی، سمت چپ بکوب. بعد به میخ سوم دست زد؛ شکوفا شد و درخشید و نور داد. جبرئیل گفت: این میخ فاطمه سلام الله تعالی علیها است؛ آن را کنار میخ پدرش بکوب. سپس دست برد و میخ چهارم را گرفت؛ آن هم روشنی داد و پرتو افشاند. جبرئیل گفت: این میخ حسن علیه السلام است؛ آن را در کنار میخ پدرش [علی] بکوب. سپس دستش را به میخ پنجم زد. از آن هم فروغی برخاست و نور افشاند ولی گریست. [نوح] گفت: ای جبرئیل، این چه گریه‌ای است؟ [جبرئیل] گفت: این میخ حسین بن علی علیه السلام سرور شهداست؛ آن را هم در کنار میخ برادرش بکوب. سپس پیامبر اکرم (ص) این آیه‌ی شریفه را خواند: «او را بر کشتی دارای تخته‌ها و میخ‌ها حمل کردیم.» پیغمبر (ص) فرمود: الواح، چوب‌های کشتی و ما، میخ‌های آن بودیم و اگر ما نبودیم کشتی مسافران را حرکت نمی‌داد؛ بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۳۲ و ۳۳۳.

۲۱ «وَهُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي وَ لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ» یعنی: ایشان از تو و از همه‌ی مخلوقاتم برترند. اگر آنها نبودند تو را خلق نمی‌کردم و همچنین نه بهشت و جهنم و نه آسمان و زمین را نمی‌آفریدم؛ بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۷۳.

۲۲ «فَقَفَّحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّثَمَرٍ \* وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْرٍ» یعنی: پس درهای آسمان را به آبی ریزان بگشادیم. و زمین را به چشمه‌های روان بشکافتیم پس آب [آسمان و زمین] برای کاری که مقدر شده بود به هم پیوستند؛ قرآن کریم، سوره قمر، آیات ۱۱ و ۱۲.

۲۳ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ارْتَفَعَ الْمَاءُ زَمَانَ نُوحٍ عَ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ وَ عَلَى كُلِّ سَهْلٍ خَمْسَةَ عَشَرَ ذِرَاعًا» یعنی: ارتفاع آب در زمان نوح پانزده ذراع بالاتر از تمامی کوهها و دشتهای بود؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۳ و ۳۳۴.

۲۴ امام صادق علیه السلام از رسول خاتم نقل می‌فرماید: «إِنَّ نُوحًا لَمَّا رَكِبَ فِي السَّفِينَةِ وَ خَافَ الْغَرَقَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْغَرَقِ فَتَجَاهُ اللَّهُ عَنْهُ» یعنی: همانا وقتی که نوح سوار بر کشتی شد و از غرق شدن ترسید، گفت «خداوندا! از تو می‌خواهم تا به حق محمد و آل محمد مرا از غرق شدن نجات دهی» پس خدا [به همین سبب] او را نجات داد؛ بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۱۹. ؛ همچنین امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لَمَّا أَشْرَفَ نُوحٌ عَلَى الْغَرَقِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّمَا فَدَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ الْغَرَقَ» یعنی: هنگامی که نوح به غرق شدن نزدیک شد خدا را به حق ما [اهل بیت] خواند پس خدا از او غرق شدن را دفع کرد؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۶۹.

۲۵ امام محمد تقی می‌فرماید: «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى نُوحٍ عَ أَيُّ قَدْ جَعَلْتُ قَوْسِي أَمَانًا لِعِبَادِي وَ بِلَادِي وَ مَوْثِقًا مِيَّيْ بَيْنِي وَ بَيْنَ خَلْقِي بِأَمْتُونٍ بِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنَ الْغَرَقِ وَ مَنْ أَوْقَى بِعَهْدِهِ مِيَّيْ» یعنی: خداوند تعالی به نوح (ع) وحی نمود همانا من [رنگین] کمانم را امانی برای بندگانم و سرزمین‌هایم قرار می‌دهم و [آن را] پیمانی میان من و خلقم می‌گذارم مبنی بر اینکه تا روز قیامت از غرق شدن [به صورتی که قوم نوح غرق شدند] در امان بمانند و کیست که از من نسبت به عهدش وفادارتر باشد؟؛ بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۸.

۲۶ امیرمومنان می‌فرماید: «لَا تَقُلْ قَوْسٌ فَرَحٌ فَإِنَّ فَرْحًا [فَرْحَ] الشَّيْطَانِ وَ لِكِنَّهَا الْقَوْسُ وَ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ فَلَا غَرَقَ بَعْدَ قَوْمِ نُوحٍ» یعنی: نگو «قوس فرح» چراکه «فرح» شیطان است در حالی که آن کمانی است که امان اهل زمین است (قوس الله

آری؛ رنگین کمان نشانی شد به معنای «امان اهل الارض» و البته «امان اهل الارض» همان محمد بود و علی بود و فاطمه و فرزندان‌شان! همان‌ها که مَثَلِشان، مَثَلِ کشتی نوح است و هر که بدیشان درآویزد، نجات می‌یابد و هر که روی برگرداند، غرق می‌شود.<sup>۲۰</sup>

با آن طوفان، زمین از وجود کافران پاک شد اما شیطان باز هم بیکار ننشست. او که توانسته بود آدمیان را در حالی به هلاکت کشاند که به خدای یگانه مومن نبودند و از این موفقیت خشنود بود،<sup>۲۱</sup> به میان بازماندگان و نسل پس از ایشان رفت و وسوسه‌های خود را دوباره آغاز نمود.

اینچنین بود که پس از نوح نیز رسولان، یکی پس از دیگری برای دعوت مردم به پرستش خدای یگانه و یادآوری عهدی که بنی آدم با خدا بسته بود، مبعوث شدند؛ همان عهدی که آدم علیه السلام درباره‌ی رسول خاتم و اهل بیت پاکش و قبولی برتری و سرپرستی ایشان، با پروردگار متعال بسته بود.<sup>۲۲</sup> اما مردم هر بار همان رفتاری را که پیشینیان با فرستادگان داشتند، مرتکب می‌شدند. عده‌ای را تکذیب کردند،<sup>۲۳</sup> برخی را دیوانه‌تپا جادوگر<sup>۲۴</sup> خواندند و گروهی را به قتل رساندند.<sup>۲۵</sup>

---

است، نه قوس شیطان: بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۹. تا پس از قوم نوح [انگونه که ایشان غرق شدند] غرق نشوند: بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۳۸۴.

<sup>۲۷</sup> "أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِي بِعَهْدِكُمْ" یعنی: به عهد من وفا کنید تا به عهدتان وفا کنم: قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۴۰.

<sup>۲۸</sup> بنگرید به پاورقی شماره ۲۶.

<sup>۲۹</sup> امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: "تَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ" یعنی: ما [اهل بیت] امان اهل زمین هستیم: بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۶.

<sup>۳۰</sup> رسول رحمت می‌فرماید: "أَهْلُ بَيْتِي كَسَفِيئَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ" یعنی: اهل بیت من همانند کشتی نوح هستند؛ هرکه به آنها در آید نجات می‌یابد و هرکه از ایشان تخلف ورزد غرق می‌شود: بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۵۵.

<sup>۳۱</sup> امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "لَمَّا هَبَطَ نُوحٌ مِنَ السَّفِينَةِ أَتَاهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ لَهُ مَا فِي الْأَرْضِ رَجُلٌ أَعْظَمَ مِنِّي عَلَىٰ مِنْكَ دَعَوَتِ اللَّهِ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ الْفُسَّاقِ فَأَرَحَّتِي مِنْهُمْ" یعنی: وقتی که نوح از کشتی فرود آمد، ابلیس به نزد وی آمد و گفت: هیچ مردی در روی زمین نیست که بیش از تو بر من ممت داشته باشد، چراکه تو این قوم فاسق را نفرین کردی و مرا [از رحمت گمراه کردن آنها] راحت نمودی: بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۱۷.

<sup>۳۲</sup> بنگرید به درس چهارم از **درسنامه‌ی عهد معهود (عهد خدا با آدم علیه السلام)**

<sup>۳۳</sup> به عنوان نمونه خداوند می‌فرماید: "كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نَذْرٌ" یعنی: قوم عاد [هود را] دروغگو انگاشتند پس [بنگر که] عذاب و بیم‌دادن من چگونه بود؟: قرآن کریم، سوره قمر، آیه ۱۸؛ "كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ" یعنی: قوم ثمود نیز بیم‌کنندگان را دروغگو انگاشتند: همان، آیه ۲۳؛ "فَقَالُوا أَ بَشَرًا مِثَّا وَاجِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِدَّا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ \* أَلْفِي الذِّكْرِ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِيرٌ" یعنی: و گفتند: آیا يك نفر آدمی از میان خود (صالح) را پیروی کنیم؟! ما آنگاه در گمراهی و دیوانگی باشیم. آیا از میان [همه‌ی] ما ذکر (کلام خدا) بر او افکنده شده؟! بلکه او دروغ پرداز خودپسند و برتری‌جوست: همان، آیات ۲۴ و ۲۵؛ "كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَارِ \* وَ ثَمُودُ وَ قَوْمُ لُوطٍ وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ \* إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ عِقَابٌ" یعنی: پیش از آنها قوم نوح و عاد و فرعون صاحب میخها، نیز تکذیب کردند؛ و ثمود و قوم لوط و مردم ایکه نیز، اینانند آن گروه‌ها [ی کافر]؛ هیچ کس از اینان نبود مگر آنکه پیامبران را تکذیب کردند پس کیفر من [بر آنان] سزا گشت: قرآن کریم، سوره ص، آیات ۱۲ تا ۱۴.

<sup>۳۴</sup> به عنوان نمونه خداوند می‌فرماید: "وَ فِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ \* فَتَوَلَّىٰ يُرْكِيهِ وَ قَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ" یعنی: و در [داستان] موسی [نیز نشانه و عبرتی است] آنگاه که او را با حجتی روشن و آشکار به نزد فرعون فرستادیم؛ پس [فرعون] با ارکان [دولت] خود روی برتافت و گفت: «[این شخص] ساحر یا دیوانه‌ای است: قرآن کریم، سوره ذاریات، آیات ۲۸ و ۲۹.

رد پای ماجرای «عهد خدا با بنی آدم» و ماموریت انبیاء به منظور یادآوری این عهد، در کتاب مقدس امروزین نیز به وضوح قابل مشاهده است. در جلسه آینده به شواهدی از کتاب مقدس در این رابطه خواهیم پرداخت.

## نکات مهم این جلسه

- بنی آدم به تحریک شیطان، نعمت هدایت را پس زدند و هدایتگران را به تقیّه واداشتند. همین امر سبب شد تا گمراهی رواج پیدا کند و مردم از عبودیت خالق خویش دور شوند.
- مقصود پروردگار از «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» آن است که مردم پس از آدم تا زمان پیامبری نوح، یکپارچه به گمراهی کشیده شدند.
- نوح علیه السلام ماموریت یافت تا بت پرستی را خاتمه دهد اما مردم، او را مورد تمسخر و ضرب و شتم قرار دادند تا آنجاکه پس از ۹۵۰ سال دعوت و موعظه، تنها ۸۰ نفر به او ایمان آوردند.
- خداوند، اراده کرد تا با طوفانی عظیم زمین را از وجود کافران پاک سازد. پس به نوح امر فرمود تا با راهنمایی جبرئیل کشتی بزرگی برای نجات ایمان آورندگان بسازد.
- جبرئیل ۵ میخ به نامهای پنج تن برای نوح آورد تا آنها را بر روی کشتی نصب کند و بدین ترتیب کشتی بتواند به سلامت مسافران را حمل کند. این پنج تن همان افراد برگزیده‌ای بودند که خداوند درباره‌ی ایشان با آدم علیه السلام و فرزندانش عهد بسته بود.
- پس از طوفان، دوباره شیطان به سراغ بنی آدم آمد و با وسوسه‌هایش آنها را به گمراهی کشاند.
- هدایتگران الهی یکی پس از دیگری برای هدایت مردم به سوی خدای یگانه و یادآوری عهد معهود با بنی آدم به میان ایشان رفتند؛ اما یا تکذیب شدند و یا به دست ایشان به قتل رسیدند.

<sup>۳۵</sup> به عنوان نمونه خداوند می‌فرماید: "وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ \* إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ" یعنی: و هر آینه موسی را با نشانه‌های خویش و حجت‌های روشن فرستادیم؛ به سوی فرعون و هامان و قارون، پس گفتند: جادوگری است دروغگو؛ سوره غافر، آیات ۲۳ و ۲۴.

<sup>۳۶</sup> امام باقر علیه السلام می‌فرماید: "ثُمَّ أُرْسِلَ الرَّسُلُ تَتْرَا كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ ... (قرآن کریم، سوره مومنون، آیه ۴۴). وَ كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَقْتُلُونَ نَبِيًّا وَ أَثَانِ قَائِمَانِ وَ يَقْتُلُونَ اثْنَيْنِ وَ أَرْبَعَةَ قِيَامٍ حَتَّىٰ أَنَّهُ كَانَ رَبَّمَا قَتَلُوا فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَ يُقَوْمُ سَوْفَ قَتْلِهِمْ آخِرَ النَّهَارِ" یعنی: بعد از آن [خدای تعالی] رسولان را پی در پی ارسال کرد و هر گاه که رسولی بر امتی می‌آمد او را تکذیب می‌کردند ... و بنی اسرائیل پیامبران را می‌کشتند و این در حالی بود که دو پیامبر دیگر ایستاده منتظر کشته شدن بودند، و دو پیامبر را می‌کشتند در حالی که چهار پیامبر دیگر ایستاده بودند تا آنکه چه بسا در يك روز هفتاد پیامبر را می‌کشتند و بازار کشتار آنها تا پایان روز برقرار بود؛ کافی (الاسلامیه)، ج ۸، ص ۱۱۶.